

امریکا پس از حضور در افغانستان یک استراتژی اساسی برای نیل به اهداف کلان خود داشت؛ این استراتژی شکل دهی یک «دولت فرومانده» در افغانستان بود، دولتی که به دلیل عدم توانایی و استقلال از یک سو و وابستگی صرف به غرب از سوی دیگر، چاره‌ای جز پیاده‌سازی و اجرای موبه‌موی سیاست‌های آمریکا و غرب نداشت

۹ شهریور ۱۴۰۰ بود که آخرین نیروهای خارجی بویژه نیروهای امریکایی خاک افغانستان را ترک کردند و اشغال این کشور در نهایت پس از ۲۰ سال حضور نظامی امریکا و همپیمانانش در ناتو خاتمه یافت.

بی‌شک هم اشغال افغانستان، هم نحوه و کیفیت حضور و مدیریت نیروهای خارجی در این کشور و هم نوع و شرایط اخراج یا فرار خارجی‌ها از افغانستان در تاریخ بشریت ثبت خواهد شد و هرکدام از این تاریخ‌ها سندی برای قضاوت آیندگان درباره برهه‌ای از تاریخ خواهد بود.

در این مجال فرصت بررسی چرایی اشغال افغانستان توسط امریکا و متحدانش و نیز کیفیت و مدیریت این حضور وجود ندارد اما نکته مهم در این نوشتار بررسی اجمالی تأثیر حضور امریکا در افغانستان بر موضوعات مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و حتی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند باشد.

امریکا پس از حضور در افغانستان یک استراتژی اساسی برای نیل به اهداف کلان خود داشت؛ این استراتژی شکل دهی یک «دولت فرومانده» در افغانستان بود، دولتی که به دلیل عدم توانایی و استقلال از یک سو و وابستگی صرف به غرب از سوی دیگر، چاره‌ای جز پیاده‌سازی و اجرای موبه‌موی سیاست‌های امریکا و غرب نداشت و خود نمی‌توانست سیاست داخلی و خارجی مستقلی داشته باشد لذا شاهد آن بودیم که در طول دو دهه گذشته همواره سیاست‌های اعلامی و اعمالی دولت‌های وقت در افغانستان، سیاستی در عدم همکاری جدی و در برخی مواقع سیاست تخاصم با ایران بوده است.

اگر نگاهی گذرا به برخی اقدامات دولت‌های دو دهه گذشته در افغانستان بیندازیم این موضوع به وضوح خودنمایی می‌کند: «حضور امریکا در افغانستان در همه ابعادش برای جمهوری اسلامی ایران یک ضرر و آسیب بزرگ بوده است».

در حوزه انرژی شاهد آن هستیم که طرف غربی از افغانستان به عنوان یک کریدور جدی برای دور زدن مسیر ترانزیت و صادرات انرژی ایران استفاده کرده و تمام تلاش خود را به کار بسته تا حصار و سدی جدی در مقابل صادرات انرژی ایران پدید آورد. تحریم محکوم پروژه انتقال گاز IPI از ایران به پاکستان و هند و در عوض آن پیشبرد سریع و سرمایه‌گذاری عظیم روی پروژه TAPI که در واقع انرژی آسیای مرکزی را به هند و پاکستان انتقال می‌دهد، یکی از همین اقدامات است. در همین زمینه در طول دو دهه گذشته دول افغانستان با سیاستی غربی، پروژه سدسازی روی آب‌های مشترک را آغاز و با سراسیمگی آنها را به نتیجه می‌رسانند. پروژه‌های «بند سلما» در ولایت هرات و «بند کمال خان» در ولایت نیمروز از همین دست پروژه‌ها هستند که با هدف مسدودسازی مسیر آب به سمت کشورمان در دستور کار دولت‌های آقایان کرزی و اشرف غنی قرار گرفت